

در این شماره می خوانید:

۴ ماهیت پارادایمی اجتهاد در نظریه تفسیری

۱۰ نقد پارادایمی اهل کفر

۱۸ دستاوردهای اندیشه‌های - عملکردی شهید صدر

۲۲ حس هویت با دعای ابوحمزه

۲۵ سه ضلع بایسته فلسفه قرآنی فقه

۳۷ مدیریت راهبردی آینده‌نگار

۴۲ فرانظریه دین‌شناخت پیشرفت



خبرنامه داخلی

مرکز تحقیقات استراتژیک توسعه (رشد)
سال هشتم، شماره هشتم، آبان و آذر ۱۳۹۹

به نام خداوندگار حکمت تغییر

پیش حکایت

نظریه پژوهی اندیشه پیشرفت در آستانه ساخت‌یابی گفتمانی در ضمن اهتمام این مرکز تحقیقاتی قرار گرفته است. «نظام دانایی» در جامعه معاصر ما و رابطه‌ای که این مهم با حرکت جامعه و تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی داشته و دارد، مسئله مهم اما در عین حال، کمتر شناخته شده‌ای است؛ به این معنا که بیش از آن‌که تلاش شده باشد تا نظریه‌ای برای فهم این رابطه ارائه شود، بیشتر تلاش شده است تا این نظام دانایی را در یک چالش سیاسی ببینند و آن را مدیریت کنند. نظام دانایی بر پایه فرمول «دانش - قدرت» استوار است. کوشش ما در این عرصه بر سامان‌بخشی نظریه‌ای است که پیام‌رسان نظام دانایی (در جامعه معاصر ایرانی) چه ویژگی‌هایی دارد و چه پیوندی با ساختارهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برقرار کرده است. بر این پایه گزارش دستاوردهای دو ماهه آبان و آذر این نهاد تحقیقاتی در پروژه‌های برجسته هر گروه پژوهشی در این فرصت مرور می‌شود:

۱. در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنا سه گزارش «زبان دین»، «ماهیت پارادایمی اجتهاد در نظریه تفسیری» و «نقد ایده رؤیای رسولانه» معرفی می‌شود؛

۲. در گروه پژوهش تفسیری فرازهای گام تازه پژوهش در «برداشت‌های تفسیری آیات ۹ تا ۱۲ بقره»، «فاعلیت حقوقی فاعلان مدنی جامعه معیار» با سوره نساء، «نقد پارادایمی اهل کفر»، «مدنیت اجتماعی در مواجهه با چالش کفر» با سوره انفال، «خط نفاق در ساخت اجتماعی با سوره توبه»، «روش‌شناسی تفسیر هدی با نمونه سوره توبه»، «علم پیشاهنگ تفسیری»، «دستاوردهای اندیشه‌ای - عملکردی شهید صدر» و کتاب «نظریه و مکتب تفسیر پیشرفت‌شناخت در گفتگو با پنج نظریه (گفتار اول و دوم)» مرور می‌شود؛

۳. در گروه اخلاق و سبک زندگی با «شرح دعای بیست و سوم صحیفه سجادیه» و نیز «حس هویت با دعای ابوحمزه» پیش روست؛

۴. گروه پژوهشی فقه و حقوق نیز «مبانی معرفت‌شناسی فلسفه فقه؛ اندیشه فقه جامع اجتهادی»، «سه ضلع بایسته فلسفه قرآنی فقه» و «فقه، مراحل آن و اصول هر مرحله» را آغاز نموده است؛

۵. گروه پژوهش علوم انسانی در این مرحله از کتاب «گفتگوهای اقتدار توسعه‌ای علوم انسانی» به «اقتصاد علوم انسانی» نظر افکنده است؛

۶. در گروه تحقیق و توسعه و مطالعات راهبردی بحث تدابیر سند الگوی پایه پیشرفت در گزارش «ویرایشی بر مقدمه و بخشی از مبانی سند الگوی پایه پیشرفت» و هم‌چنین چهار گزارش «اشارتی به مدخل کتاب در گذار درون‌زای توسعه»، «آسیب‌شناسی قوه قضائیه در گام اقدامی سازی سند الگو»، «مدیریت راهبردی آینده‌نگار» و «چشم‌انداز و سیاست‌های کلان برنامه پنج‌ساله هفتم پیشرفت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی» در دستور تأمل است؛

۷. انجمن علمی هم‌اندیشی پیشرفت در فرصت خویش به «نظریه‌ای برای تغییر اجتماعی در نگاه دکتر محمد فاضلی» پرداخت و در ادامه رویدادهای آبان و آذر ۹۹، گزارش «فرانظریه دین‌شناخت پیشرفت» و «هشتمین نشست هم‌اندیشی مدیران واحدهای پژوهشی حوزوی» پیش روست.

دبیر علمی

پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت

دبیر علمی: احمد آکوچکیان

در گروه پژوهش‌های نظری و مطالعات مبنی، در فصل پردازش مبانی پارادایمی و نظری اندیشه پیشرفت، با نظر به دو دستاورد این گروه، پروژه «زبان دین» معرفی می‌شود که در راستای مباحث فلسفه دین با ویرایش تازه‌ای روبرو می‌شود و دو گزارش «ماهیت پارادایمی اجتهاد در نظریه تفسیری» و «نقد ایده‌رؤیای رسولانه» نیز در دستور تأمل آمده است.

خاص معرفت‌شناسی و روش‌شناسی و اعتنای افزون‌تر به معارف بیرون‌دینی با تأکید بر علم‌گرایی جدید که تنها راهبرد شناخت حقایق را متدلوژی علمی تلقی می‌کند و واقعیت‌ها را منحصر در امور تجربه‌پذیر می‌انگارد؛ این رویارویی جنبه‌های گوناگونی دارد؛ این تعارض‌ها میان پیش‌فرض‌های علمی و پیش‌فرض‌های دینی یا میان کشفیات علمی یا لوازم زبانی کشفیات علمی و مفهوم و مفاد دینی باشد؛ هم‌چنان که ممکن است تضاد در روش علم (و به طور خاص روش علم تجربی) و روش دین تلقی شود.

تجربه پیشنهادی زیست دین‌دارانه در زبان منابع دین در پیوست با زبان و گفتمان مخاطب آشکار می‌شود و معبری است برای فهم مبنای زندگی که در سه منظومه مفاهیمی، گزاره‌ای و سیاقی یا بافتی در زبان عقل و زبان نقل ساخت نمادین می‌یابد. از میان انواع زبان، زبان کلمه و کلام زبان متن مقدس است که در تقریر و سیره انبیائی و اوصیائی زبان حرکت و اطوار نیز گرفته است. این زبان در فصل خطاب قاعده‌مند است و در علومی چون صرف، نحو، معانی، بیان و بدیع ظرفیت ترجمه تفسیری می‌یابد و در حیط فلسفه زبانی از ماهیت این زبان و حیط استناد آن به تجربه مرجع آن در ذیل تنوعی از نظریات توجیه شده است. برای این زبان مضرب‌های روش‌شناختی چون منشأ دین، نظام انتظارات از دین، ساختارهای ترکیب زبانی (تنزیلی و ترتیبی)، اصول هنرشناخت و اصول معنی‌شناخت مطرح است و باید در این معادله مد نظر باشد.

آموزه‌های دین در بیان خویش زبان خودویژه‌ای دارد، که در بضاعت زبانی برای خلق گزارش‌گر حقیقت دین باشد.

۱. زبان وحی، زبان ترجمان پیوست انسان و خداست؛
 ۲. زبان قرآن، زبان وحی و زبان ترجمان الگوی نظر - عمل است؛
 ۳. زبان قرآن تجلی خداوند بر جان و زبان رسول بزرگ است.
- زبان معبر ورود به آموزه‌های دین است که به تناسب گستره و ژرفای این آموزه‌ها ظرفیت فلسفه دینی، معرفت‌شناخت و روش‌شناخت خودویژه‌ای می‌یابد. نحوه گزارش‌گری

زبان برای دین چیست؟ به اعتباری دیگر زبان

دین، زبان پیوستاری تبیینی و تدبیری

آموزه‌های دین نسبت به هست‌ها

و باید‌های پیوسته با امر انسانی

زبان دین

سلسله نشست‌های انجمن «جهان دینی - جهان جدید» با حضور اساتید صاحب‌نظر در این حوزه در گام آبان و آذر ماه، بحث از «زبان دین» را در دستور کار خود داشت.

حجت‌الاسلام والمسلمین آکوچکیان در پاسخ به سؤال «زبان دین از چه رو مد نظر در فلسفه دین است؟» بیان کرد: پیام دین، پیام زندگی است و مجرای ورود و آگاهی به این پیام، زبان دین است. بدین‌روی مهم‌ترین ناگزیرسازهای پژوهش در زبان دین به فهرست ذیل است:

۱. پیدایش فلسفه تحلیلی و از این رهگذر فلسفه زبان و تحلیل نحوه‌های گوناگون زبانی در دوره معاصر با نظر به ظهور فلسفه تحلیل زبانی که همه زبان‌ها (زبان علم، زبان عرفان، فلسفه، دین، هنر، فناوری و ...) را بر اساس کارکردشان بررسی می‌کند؛ در این راستا توجه ویژه‌ای به زبان دین و کارکردهای آن معطوف شده است؛

۲. ارتباط‌شناسی امر متناهی بشری با امر نامتناهی غایی الهی و به تعبیری امر قدسی احاطه‌کننده فراتاریخی با امر انسانی تاریخی (از حوزه نظر تا حوزه تدبیر) از رهگذر معناشناسی مفاهیم و گزاره‌های متون دینی به ویژه در مؤلفه‌های شاکله‌بخش آموزه‌های دین و به طور خاص الهیات و اسماء و صفات الهی؛

۳. درک نظام‌وارگی نظام مفاهیم و گزاره‌های درون‌دینی و از این طریق پاسخ به تهافت‌های متون دینی و از این رهگذر اعتنا به عاری‌بودن متون دینی از تناقض با تأکید بر حل مناسبات گزاره‌هایی که ناسازگاری ظاهری دارند؛

۴. تحلیل مناسبات میان ادیان از طریق نوع مناسبات نظام مفاهیم و زبانی متون این ادیان و رهسپاری به افق مشترک میان آنان؛

۵. حل نقطه‌تعارض‌های به تدریج در میان‌آمده علم و دین به ویژه در جهان جدید و در ضمن مطالعات انتقادی و ظهور دو عرصه

رایج است. در این زبان از تمثیل بهره جسته شده است. در واقع در نگاه تمثیلی یک سطح از اشتراک در معنا وجود دارد، ولی این کلمات به هیچ وجه مرادف با آن‌چه در استعمالات رایج به کار می‌رود نیست. نتیجه این نگاه این است که معنای زبان دین این است که واژه‌های به کار رفته در کتب و متون دینی مقدس، ما را به حقیقت صفات الهی نمی‌رساند، بلکه یک نوع تشابه و علاقه‌ای را بیان می‌دارد که می‌توانیم از آن به تمثیل یا به تعبیری مجازی یاد کنیم؛ پس مجموعه‌ای از گزاره‌هایی که به طور خاص در رابطه با خداوند یا مفاهیم ماورایی داریم، این تعبیرات تعبیرات دقیق به مفهوم رایج نیست یعنی ما بر اساس اصطلاحات، واژه‌ها، مفاهیم و گزاره‌های عرفی نمی‌توانیم این معانی را القاء کنیم یا تلقی کنیم و نمی‌توانیم به دیگری بفهمانیم؛ همان‌گونه که نمی‌توانیم خودمان هم تلقی این‌گونه داشته باشیم.

۲. زبان رمزی و سمبلیک

در نگاه سمبلیک یا رمزی و رمزگونه به زبان دینی، مدعی می‌شویم زبان دین و کتب مقدس یک زبان رمزگونه و سمبلیک است که مفاهیم آن ماورای این مفاهیم ظاهری است که توسط این متون یا توسط زبان دینی تبیین می‌شود. در این‌که انسان در جهان پر از رمز و راز زندگی می‌کند، تردیدی نیست؛ هم‌چنین در این نکته که رمز و راز در هستی و در زندگی انسان‌ها امر مورد پذیرش انسان است، تردیدی نیست. انسان همواره از رمزنگاری و رمزگشایی برای فهم خودش و جهان پیرامونش استفاده می‌کند. رمزگذاری یک راه و روش برای کوتاه کردن مسیر رفتن به سوی حقیقت است. ما راه و مسیری را که باید برای درک حقایق بپیماییم، با رمزگذاری یا با نگاه سمبلیک کوتاه می‌کنیم؛ یعنی یا کوتاه می‌کنیم یا فهم‌مان را نزدیک‌تر و ساده‌تر می‌کنیم. بنابراین تصور برخی از صاحب‌نظران در رابطه با دیدگاه سمبلیک دینی امثال پل تیلیش (Paul Johannes Tillich) این است که تصور سمبلیک مبتنی بر صورت‌های ایحایی است، برخلاف انواع دیگر اندیشه و تفکر که گاهی مبتنی بر معانی مجرد مثل ریاضیات و منطق یا معانی خارجی و بیرونی است، مانند زبان علم. زبان دین و زبان‌های سمبلیک مبتنی بر ایحانات است. از نظر من علت این ایحانات تنگناهایی است که در زبان انسانی و زبان بشریت در قالب واژه‌ها وجود دارد و آن مفاهیم کلان دینی که دین و متون دینی به دنبال تبیین آن هستند، در این واژه‌ها نمی‌گنجد. بنابراین باید دست به یک نوع ایحایی زد؛ چنان‌که حتی وحی هم که در واقع مصدر این زبان است و ایحاء است، خود نوعی اشارات ایحائی است نه اشاراتی که پوشش کامل به مفاهیم مورد نظر دارد؛ بنابراین در یک نگاه رمز و سمبل اشاره دارد به وراء و ماورای آن‌چه

است؛ به اعتباری درباره‌ی هست‌ها و باید‌هاست.

حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفوی: در ابتدا ذکر دو مقدمه لازم است:

۱. مبحث زبان دین از نظر جایگاه و مرتبه بر مبحث معرفت دینی، مقدم است؛ زیرا با توجه به زبان دین می‌توان بحث از ارزش گزاره‌های دینی را هم مطرح کرد و بنابراین اول باید زبان را مورد بحث قرار داد تا به نتایجی رسید؛

۲. زبان دین با دو رویکرد مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: برونی و درونی. در نگاه درونی که معمولاً در کتب علم کلام و تفسیر و بلاغت و معانی قرآن و... مورد بحث قرار می‌گیرد، مرکز توجه فهم

متون درون دینی یا همان تعبیرات متون است. این یک نگاه و رویکرد است، در حالی‌که در نگاه بیرونی که مورد توجه فلسفه دین است، توجه به اهداف ساختار و بنیادهای زبان دینی است که مورد تجزیه و تحلیل و تفسیر و تبیین قرار می‌گیرد و چندان به بازخورد درونی ترکیبات درونی متون دینی ناظر نیست. تئوری‌های مختلفی در رابطه با زبان دین بیان شده است. در کتب فلسفه دین به طور مفصل در رابطه با زبان سمبلیک، تمثیلی، استعاره‌ای و دیدگاه پوزیتیویست منطقی بحث شده است. آن‌چه از مجموع این تئوری‌ها و نگاه‌ها به دیدگاه

مورد نظر ما نزدیک‌تر است، دو زبان تمثیل و رمز است. هم‌چنین در مباحث درون‌دینی تاریخی، به طور مفصل در علم کلام، معانی قرآن، بلاغت و مباحث تفسیری، به مباحث مجازات قرآن و سنت پیامبر ﷺ پرداخته شده است؛ بنابراین در فلسفه دین وقتی از زبان تمثیلی و زبان رمز صحبت می‌شود، مقصود چیست و چه نقاط مشترکی با داده‌های دین‌شناسی و اسلام‌شناسی ما دارد؟

۱. زبان تمثیل

اولین رویکرد زبان تمثیل یا زبان مجازی دین است، زبان تمثیل می‌گوید دین زبان حقیقت‌گویی ندارد؛ یعنی مفاهیم را به شکل حقیقی مورد ارزیابی قرار نمی‌دهد و این به دلیل تنگناهایی است که در اصل زبان است؛ بنابراین چون مفاهیمی در ادیان وجود دارد و در ادیان توحیدی و به طور خاص در اسلام، مثل مفهوم خداوند و صفات خداوند و بعضی از امور دیگر که در آموزه‌های دینی وارد شده است که به خاطر مطلق بودن این مفاهیم در چارچوبه‌ی واژه‌ها و تعبیراتی که زبان عرفی یا زبان رایج یا زبان مورد استفاده انسان‌ها است نمی‌گنجد و بنابراین ما به زبان تمثیل روی می‌آوریم؛ بنابراین در زبان تمثیل حرف این است که واژه‌های دینی مشتمل بر معانی غیرعرفی و



ماهیت پارادایمی اجتهاد در نظریه تفسیری

در سلسله نشست‌های پژوهشی «پارادایم اجتهاد تفسیری» به تبیین و بررسی بخش اول کتاب با عنوان «ماهیت پارادایمی اجتهاد در نظریه تفسیری» در دستور کار قرار گرفت. در مجال این نشست‌ها، به بحث و بررسی پیرامون سه فصل این بخش پرداخته شد.

تحلیل ساختار مفهومی نظریه تفسیر - تفسیری با لحاظ ماهیت اجتهادی و بدین‌سان پارادایمی آن، آشکارگر سازوکار درون پارادایمی فرآیند فکر تفسیری است. کلیت این فرآیند و سازوکار، زمینه‌ساز کاوش از چارچوبه و ساختار نظریه مرجع و الگوی نقد مقایسه‌ای نظریه برگزیده با انواع جریان‌های تفسیری از سطح ساخت نظری تا کارکردی است. این سازوکار به نوبه خود در ضمن یک فراروش حاصل می‌شود تا به طور خاص، ماهیت اجتهادی تفکر تفسیری در ضمن اجزای تحلیلی معین پارادایم مرجع، نظریه تفسیری کلیت آموزه‌های دین و گام‌های دانش‌پردازی و کارکرداری فهم تفسیری در مدیریت عینیت معلوم شود؛ بدین‌سان می‌توان تصویر روشنی از اجزای فرآیند و سازوکاری اندیشه تفسیری به دست داد. در این گام، برش طولی و سپس سازوکاری فرآیند فکر تفسیری تصویر می‌شود.

۱. فصل اول: الزامات نظریه‌پردازی تفسیری

۲. فصل دوم: جهان‌شناسی نظریه تفسیری

۳. فصل سوم: پارادایم و ساخت تحلیلی آن

۴. فصل چهارم: چستی اجتهاد پارادایمی

۱. الزامات نظریه‌پردازی تفسیری

الزامات یک نظریه تفسیری چیست؟ چه اصولی در فرآیند نظریه‌پژوهی و نظریه‌سازی دخالت دارد؟ هرگونه فرآیند اندیشه‌ای و پژوهشی نیازمند الگو، نظریه و شیوه‌ای برای تدبیر آن و نیز حجم مورد نیاز معینی از دانش و تجربه نسبت به پدیده مورد بررسی است. توانایی برای این فرآیند اندیشه‌ای و به خصوص حیث سازوکاری آن، به این دو ظرفیت برجسته و از جمله نوع روان‌شناسی و جامعه‌شناسی تأثیرگذار بر شخصیت پژوهش‌گر وابسته است. استانداردها و الزامات چنین فرآیند شناختی، به ویژه هنگامی که این جریان شناختی مبتنی بر یک نظریه معین معرفتی است، کدام است؟ این الزامات در عرصه فکر اجتهادی نیز متبوع است:

۱. ظرفیت دانشی مهیا در

کلمات و واژه‌ها دلالت بر آن دارند؛ یعنی نگاه ما در رمز معطوف به داده‌های واژه‌ها نیست؛ بلکه ماوراء واژه‌هایی است که ما آن را برای رسیدن به آن رمز به کار می‌بریم؛ پس تکیه‌گاه زبان دینی، خود واژه‌ها نیستند، بلکه ماورای واژه‌هاست و این کار هم به لحاظ یک نوع رابطه، تشابه، نسبت بین الفاظی که به کار برده می‌شود و معانی‌ای که خواسته می‌شود یا بنای بر القای آن بر مخاطب در متون دینی است. بنابراین باید یک نوع تشابه یا نسبت یا رابطه یا علاقه‌ای در نظر گرفت. آنچه مورد نظر است و رای معنای حقیقی الفاظ و عبارات است، مثلاً ما وقتی خیر و درستی و محبت و قدرت و علم و ... را به خداوند نسبت می‌دهیم، درست است یک نوع رابطه و نسبت و اشتراک بین این لفظ و آنچه در مفاهیم متداول ما هست وجود دارد، ولی وقتی این‌ها را به خداوند نسبت می‌دهیم دیگر لفظ مورد نظر نیست، بلکه ماورای لفظ است. نتیجه این نگاه این است که ترجمه خبری و ترجمه حرفی و ترجمه تحت‌اللفظی از متون دینی نه ممکن است و نه قابل پذیرش؛ چون در واقع منظور این ظواهر نیستند بلکه ماورای آن‌چه در این ظواهر نشان می‌دهند یا بیان‌گرند، بر اساس یک نوع رابطه هر چند ضعیف باشد بین آن لفظ و آن معنای ظاهری مورد نظر است.

بخشی از اهمیت تکیه بر زبان رمزی یا سمبلیک دین به این برمی‌گردد که به طور اساسی زبان سمبلیک قدرت و توانایی بیشتری در تبیین و تفسیر دارد؛ یعنی با زبان‌های عرفی یا زبان دارج و حتی زبان‌های تجریدی آن قدرت تبیینی را که در زبان سمبلیک است، نمی‌توانیم داشته باشیم. دایره تبیین رمزی، دایره‌ای وسیع‌تر، قدرتمندتر و محکم‌تر است. رمز و رازها و شکافتن این رمز و رازها بسته نیستند و هر فردی بر اساس مجموعه‌ای از شواهد، ادله و اموری که دارد می‌تواند در این دایره توسعه و تضییق ایجاد کند و این خود یک نوع قدرت بیشتری برای زبان دین است که می‌تواند تبیین‌کننده سطح و سطوح وسیع‌تری از مفاهیم و داده‌ها باشد؛ بنابراین تعدد تفسیر و تبیین از خصایص زبان رمزی و سمبلیک است. در حقیقت رمز گستره‌ای بیش از زبان معمول دارد. کل گزاره‌های دینی رمزی است؛ چون در نگاه رمزگونه خود انسان بماهو انسان به عنوان یک موجود خودش یک رمز و سمبل است، جهان پیرامون او سمبلیک است، رابطه میان هستی و انسان، رابطه رمزگونه است و باید به شکل رمزگونه تبیین شود. وظیفه علم کلام هم تبیین و توضیح همین رمز و رازی است که در زبان دینی نهفته است. ارتباط زبان دین با مطلق و بی‌نهایت‌ها، گذر از مسیر رمز و تعبیر سمبلیک را امری اجتناب‌ناپذیر می‌کند؛ یعنی ما نمی‌توانیم این مفاهیم مطلق و غیرمحدود را به دور از علامت‌ها بیان کنیم. علامت‌ها نه به عنوان علامت‌های معمولی چون علامت‌های معمولی در زندگی روزمره محدودند، ولی رمزهای دینی ارتباط با مفاهیم مطلق، امور نامحدود و غیرمحدود دارد و بنابراین باید از این مسیر تبیین رمزی و سمبلیک بگذرد.